

## بررسی مفهوم منافع عدالت در تعقیب جرائم در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با نگاهی بر سایر نظام‌های حقوقی

زهرا ساعدی\*

آزاده صادقی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۳۰

### چکیده

یکی از مفاهیم چالش‌برانگیز در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، مفهوم منافع عدالت مندرج در ماده ۵۳(۱)(۲)(C) اساس‌نامه است. از زمان انجام مذاکرات تا تصویب اساس‌نامه، تاکنون تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است و مفهوم و قلمرو آن موضوع اظهارنظرهای مختلف نویسندگان حقوقی و اظهارنظر دفتر دادستانی دیوان و نیز سایر نهادها قرار گرفته است. این در حالی است که مفاهیم حقوقی مندرج در اساس‌نامه که دارای ابهام باشند، می‌تواند منجر به بروز تفاسیر مختلف، تصمیمات متعارض و بعضاً صدور آراء متهافت‌گردد و در نتیجه، مقبولیت و مشروعیت دیوان را با چالش جدی مواجه سازد. در این پژوهش سعی شده است اجمال از این مفهوم تا حدودی برداشته شود؛ مجموعه‌ای از خطوط راهنما که در تعریف این مفهوم می‌تواند راه‌گشا باشد، بیان گردد و نمونه‌های مندرج در ماده ۵۳(۱)(۲)(C) اساس‌نامه که دادستان می‌بایست آن‌ها را در تعریف منافع عدالت لحاظ کند، توضیح داده شود. نتیجه این که مفاهیم مبهم و مجمل می‌تواند در کارکرد دیوان تأثیر منفی گذارده و دیوان را در تحقق اهدافش ناکام گذارد.

### کلیدواژه‌گان:

منافع عدالت، دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون وین، دفتر دادستانی، اساس‌نامه

\* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی

email: zahrasaedi84@gmail.com

\*\* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی

mahmoodkamalabadi@gmail.com

## مقدمه

بر اساس ماده ۵۳ اساسنامه دیوان، در صورت ارجاع یک وضعیت توسط شورای امنیت و یا دول عضو به دادستان، وی مکلف به تحقیق و تعقیب است؛ مگر این که دادستان بنا به شرایطی، مبنای معقول برای اقدام به تحقیق و یا مبنای واقعی و یا قانونی کافی برای اقدام به تعقیب را احراز ننماید. بند a و b از بند اول این ماده، حاوی پیش فرض الزامی بودن تحقیق است و دلالت بر الزامی بودن تعقیب و تحقیق جنایات بین‌المللی در صلاحیت دیوان دارد. بدین صورت که اگر مبنای معقول برای باور به این که جرم در صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است، وجود داشته باشد (بند a از بند اول) و قضیه، به موجب ماده ۱۷ اساسنامه، قابل پذیرش باشد (بند b از بند اول)، دادستان مکلف به تعقیب کیفری و تحقیق است.

اما در بند c از بند اول و نیز بند c از بند دوم ماده ۵۳ به این موضوع اشاره شده است که دادستان در مواردی می‌تواند به ترتیب، تصمیم به عدم تحقیق و یا عدم تعقیب بگیرد. بدین شکل که با در نظر گرفتن منافع قربانی و شدت جرم (بند c از بند ۱ ماده ۵۳) و علاوه بر این دو مورد، با در نظر گرفتن سایر شرایط مانند سن و یا ناتوانی مرتکب مورد ادعا، نقش مرتکب در جرم مورد ادعا و ... (بند c از بند ۲ ماده ۵۳) دادستان به این نتیجه برسد که دلایل اساسی برای باور به این که تحقیق در خدمت تأمین منافع عدالت است؛ و نیز، مبنای کافی مبنی بر این که اقدام تعقیبی در خدمت تأمین منافع عدالت است، وجود ندارد. این بند در طول بندهای a و b قرار دارد و در شرایط خاصی که به نوعی متضمن عدم اقتضای تعقیب و تحقیق در خصوص وضعیتی است، قابلیت استناد دارد. به عبارت دیگر، توجه به این بند زمانی ممکن است که قضیه بر اساس بندهای a و b از بند اول، برای رسیدگی در دیوان قابلیت پذیرش را داشته باشد و برخلاف بندهای a و b که الزامات مثبت هستند که احراز وجود آنها شرط است، بند c معیاری منفی است؛ به این معنی که در مواردی که دادستان تصمیم به تحقیق و تعقیب می‌گیرد، الزامی به اثبات این امر که تحقیق در خدمت تأمین منافع عدالت است، ندارد؛ اما زمانی که دادستان در شرایط خاصی تصمیم به عدم تحقیق و تعقیب می‌گیرد، باید دلایل اساسی برای باور به این که تحقیق و تعقیب در خدمت تأمین منافع عدالت نیست را احراز نماید و وجود آن دلایل را اثبات

نماید.<sup>۱</sup> در شرایطی که دادستان مستند به بند C تصمیمی مبنی بر عدم تحقیق اتخاذ نماید، می‌بایست تصمیم خود را به شعبه مقدماتی اطلاع دهد. شعبه مقدماتی به نوبه خود می‌تواند به دادستان دستور بازنگری در تصمیم اتخاذی دهد و هنگامی تصمیم دادستان معتبر است که شعبه آن تصمیم را تأیید کرده باشد؛ و اگر تصمیم دادستان مبتنی بر عدم تعقیب باشد، می‌بایست به شعبه مقدماتی و در صورتی که شورای امنیت و یا دول عضو، درخواست تعقیب کرده باشند، به شورای امنیت و دول عضو نیز اطلاع‌رسانی کند. اعطای نقش نظارتی کامل به شعب مقدماتی در موارد استناد دادستان به بند C از ماده ۵۳ اساس‌نامه، برای عدم تعقیب و تحقیق در خصوص یک وضعیت، به وضوح استثنایی بودن این بند و تقابل آن با تکلیف دادستان به تعقیب و تحقیق در خصوص جنایات بین‌المللی در صلاحیت دیوان را نشان می‌دهد.

این در حالی است که در اساس‌نامه، قواعد دادرسی و ادله و حتی در گزارش‌ها منتشره از سوی دفتر دادستانی هرگز تعریفی از مفهوم منافع عدالت ارائه نشده است. در زمان انجام مذاکرات اولیه برای تدوین اساس‌نامه، نیز توضیحی در خصوص این عبارت مشاهده نمی‌شود. شاید دلیل آن این است که در زمان مذاکرات، اساساً نمایندگان دولت‌ها نتوانسته بودند به دیدگاه واحد و نوعی توافق در خصوص مفهوم منافع عدالت برسند. به همین دلیل دفتر دادستانی در سال ۲۰۰۴ نشست با سازمان‌های غیردولتی برگزار و در خلال آن نشست از نمایندگان سازمان‌ها تقاضا نمود که در خصوص مفهوم منافع عدالت اظهارنظر نمایند.

اشارت اساس‌نامه به برخی معیارها مانند در نظر گرفتن شدت جرم، منافع قربانی و ... برای اثبات این که تحقیق و تعقیب در خدمت منافع عدالت نیست، نیز نتوانسته است مفهوم دقیق منافع عدالت را تفهیم نماید؛ چراکه، فاکتورهای مطرح شده در ماده ۵۳ جنبه تمثیلی دارد. عبارت «با ملاحظه همه شرایط از جمله...» و نیز، عبارت "Nonetheless" در ماده ۵۳ نشان‌دهنده این مسئله است که دادس تان می‌تواند فاکتورهای دیگری را نیز مورد ملاحظه قرار دهد. به زعم برخی، این عبارات به طور ضمنی بیان‌کننده تمایل اساس‌نامه برای پذیرش یک تفسیر گسترده از معنای منافع عدالت است.<sup>۲</sup>

1. Policy Paper on the Interests of Justice, ICC-OTP 2007, p. 2

2. Rashid, Farid Mohammed, The Interests of Justice under the ICC Prosecutor Power: Escaping Forward", Crossing Conceptual Boundaries V. London: University of East London, School of Law and Social Sciences, 2013, p. 55

بدین ترتیب، سؤالاتی از قبیل این که عدالت چه مفهومی دارد؛ مفهوم مضیق آن مورد توجه دیوان بوده است و یا مفهوم موسع؟ در صورت تصمیم دادستان مبنی بر عدم تحقیق و تعقیب به استناد مفهوم منافع عدالت، تکلیفی برای توسل به سایر مکانیزم‌های جایگزین عدالت بر دادستان وجود دارد یا خیر؟ آیا مفهوم صلح و هدف برقراری صلح و امنیت می‌تواند مستمسکی برای عدم تحقیق و تعقیب کیفری باشد؟ تفسیر مفهوم منافع عدالت باید چگونه باشد تا دادستان در ایفای وظیفه تحقیقی خود تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی نباشد، در این پژوهش پاسخ داده می‌شود.

ابتدا رویکرد نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی و کامن لا به‌عنوان نظام‌های حقوقی داخلی و سپس رویکرد نظام حقوقی بین‌المللی در خصوص این مفهوم بیان می‌شود. سپس مفهوم این معیار از نگاه کنوانسیون وین - که منبع قانونی تفسیر مفاهیم معاهدات است، دیدبان حقوق بشر و دکترین حقوقی بررسی می‌شود. در نهایت به نسبت مفهوم منافع عدالت و منافع صلح پرداخته می‌شود و سپس رویه دیوان در خصوص وضعیت اوگاندا شمالی بیان می‌شود.

## ۱. مفهوم منافع عدالت در نظام‌های حقوقی

در نظام حقوقی داخلی، مفهوم معادل منافع عدالت، منافع عمومی است و برحسب این که نظام حقوقی داخلی، رومی ژرمنی و یا کامن لا باشد، دایره شمول این مفهوم تضییق یا توسیع می‌گردد. در این میان، نقش‌های متفاوتی در تشخیص عدم تعقیب و تحقیق، مبتنی بر مفهوم منافع عمومی برای نهاد تعقیب عمومی - دادستانی - تعریف می‌شود. ابتدا مفهوم منافع عمومی در نظام حقوقی داخلی تشریح می‌شود و سپس به مفهوم منافع عدالت در دیوان‌های کیفری بین‌المللی پرداخته می‌شود.

### ۱.۱. نظام حقوقی داخلی

در نظام حقوقی داخلی، در مواردی ممکن است دادستان به این نتیجه رسد که تحقیق و تعقیب در خدمت تأمین منافع عمومی (Public interests) نیست و به همین دلیل تصمیم به عدم تحقیق و یا تعقیب گیرد. در این خصوص، دو نظام حقوقی رومی ژرمنی و کامن لا نقش‌های متفاوتی در تشخیص عدم تحقیق و تعقیب بر اساس مفهوم منافع عمومی برای دادستان قائل هستند.

نظام رومی ژرمنی بر اساس مدل تفتیشی اداره می‌شود که در آن، کشف حقیقت اولین وظیفه نظام قضایی و اساس تشکیل آن نظام است. در این نظام، نقش دادستان به‌عنوان یکی از طرفین دعوی و به‌عنوان یک مقام حکومتی و مجری عدالت، کشف حقیقت است و باید ادله را بی‌طرفانه مورد ارزیابی قرار دهد تا بتواند اتهامات صحیح علیه متهم وارد نماید؛ بنابراین، نمی‌تواند به تشخیص خود تحقیق در خصوص پرونده‌ای را کنار گذارد و هر تصمیم وی موضوع نظارت قضایی قرار می‌گیرد. این نظام، خود را مقید به اصل الزامی یا قانونی بودن تعقیب می‌داند. برخلاف این نظام حقوقی، کشورهای تحت حاکمیت نظام کامن‌لا، اقبال بیشتری نسبت به رویکرد موقعیت محور نشان داده‌اند. رویکرد موقعیت مدار یکی از برجسته‌ترین شیوه‌های مدیریت جرم است که سعی دارد با نگاهی گزینشی به نوع جرم و شخصیت متفاوت متهمان و رابطه آن‌ها با بزه‌دیده، نظام قانونی بودن تعقیب را تعدیل کند.<sup>۱</sup>

در نظام حقوقی رومی ژرمنی، دادستان‌ها تنها در خصوص جنحه‌ها تا حدودی اختیاراتی برای تصمیم به عدم تعقیب دارند ولیکن در خصوص جنایات، هیچ‌گونه اختیاری برای عدم تعقیب به آن‌ها داده نمی‌شود. در خصوص جنایات جدی، دادستان باید نتیجه تحقیقات خود را برای قاضی بررسی‌کننده ارسال کند تا قاضی در خصوص آن تحقیق قضایی کند و خود دادستان اختیاری برای کنار گذاردن پرونده ندارد. برای مثال در فرانسه، در فرایند تعقیب، سه بازیگر وجود دارد: پلیس قضایی، دادستان و قضات تحقیق‌کننده؛ که این قضات بر فعالیت دادستان و پلیس نظارت دارند اما قضات تحقیقی نمی‌توانند شروع به تحقیق نمایند مگر دادستان یا قربانی جرم از آن‌ها تقاضا نماید. دادستان‌ها اتهامات صحیح که می‌خواهند علیه متهم ایراد نمایند را مشخص می‌نمایند؛ جنایات کمتر جدی و اغلب جنحه‌ها را مورد تعقیب قرار می‌دهند و بر کار پلیس قضایی نظارت دارند.<sup>۲</sup> اما برای جنایات جدی، دادستان می‌بایست آن اتهامات را برای قضات تحقیقی به جهت انجام تحقیق قضایی ارسال دارد و پس از اتمام تحقیقات این قضات، دادستان می‌بایست از دستورات قضاتی تحقیقی در خصوص پرونده تبعیت نماید. هم‌چنین، دادستان‌های

۱. حاجی ده‌آبادی و دیگران، «موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی»، فصل‌نامه آموزه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۳، ص ۵۸

2. Dong, Jingbo, "Prosecutorial Discretion at the International Criminal Court: A Comparative Study", *Journal of politics and law*, vol. 2, No. 2, 2009, p. 109

فرانسه هیچ قدرت رسمی برای کنار گذاردن اتهاماتی که به دادگاه رسیدگی کننده یا نزد قضات تحقیقی رفته اند ندارند. این فقط دادگاه یا قضات تحقیقی هستند که اختیار تصمیم گیری در خصوص این امر را دارند که اتهام با واقعه مورد ادعای دادستان همخوانی دارد یا خیر و اقدامات دادستان در خصوص جنایات نیازمند یک تحقیق قضایی است.<sup>۱</sup>

با این همه، در قوانین کیفری فرانسه مشاهده می شود که این نظام از دستاوردهای رویکرد موقعیت مدار تأثیر پذیرفته است. بایگانی کردن پرونده و به کارگیری جایگزین های تعقیب از جمله جلوه های اقتضای تعقیب به شمار می رود که در ماده ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به آن اشاره شده است. این ماده می گوید: زمانی که دادستان شهرستان در مقام اجرای ماده ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ملاحظه کند واقعیت هایی که به اطلاعش رسیده، جرمی است که توسط شخصی با هویت و اقامتگاه مشخص ارتکاب یافته و هیچ مانع قانونی برای اعمال کنشی دولتی در مورد او وجود ندارد، تصمیم می گیرد که یا پرونده را تعقیب کند یا جایگزینی را همان گونه که در مواد ۲-۴۱ و ۱-۴۱ آمده است به کار گیرد یا پرونده را بدون انجام هرگونه اقدام دیگری ببندد به شرطی که اوضاع و احوال خاص مرتبط با ارتکاب جرم، این اقدام را توجیه نماید. اتخاذ این گونه اقدامات گرچه محدود به جرائم خاصی نشده است، به نظر می رسد دادستان تنها در جرائم و موقعیت های خاص که منافع عمومی اقتضا دارد مانند عدم تعقیب سقط جنین های اختیاری توسط مادر از شروع به تعقیب خودداری می ورزد.<sup>۲</sup>

و یا در کشور آلمان، دادستان ها تنها می توانند در خصوص جرائم کمتر جدی قدرت تشخیصی خود را اعمال نمایند و چنانچه تقصیر مرتکب کوچک دیده شود و نیز، هیچ گونه منفعت عمومی در تعقیب مشاهده نشود، می تواند به پرونده خاتمه دهد. در خصوص جرائم جدی، دادستان ها نمی توانند به تشخیص خود و آزادانه بر اساس مفهوم منافع عمومی و این که تعقیب در خدمت منافع عمومی نیست، از اقدام به تعقیب امتناع نمایند؛ بنابراین، هرگونه تشخیص دادستان در عدم تعقیب، موضوع نظارت یک قاضی قرار می گیرد.<sup>۳</sup> این قدرت تشخیصی دادستان در خصوص عدم

1. Frase, Richard, "Comparative Criminal Justice as a Guide to American Law Reform: How do the French do it, How can we Find out, and Why Should we Care" California Law Review, Volume 78, 1990, p. 613

۲. حاجی ده آبادی، پیشین، ص ۷۱

3. Dong, Op.cit, p. 109

تعقیب، تنها به ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان منحصر می‌شود. این ماده مقرر می‌دارد: اگر جنبه‌ای مورد رسیدگی باشد و تخلف متهم واجد طبیعت کم‌اهمیتی بوده و نفع عمومی در تعقیب وجود نداشته باشد، اداره دادستانی می‌تواند با تأیید دادگاه از تعقیب صرف‌نظر و پرونده را بایگانی نماید.

دومین نظام حقوقی مورد بررسی یعنی کامن‌لا، بر اساس مدل اتهامی اداره می‌شود که بر اساس آن، جرم نوعی اختلاف بین قربانی و مجرم قلمداد می‌شود و نظام قضایی برای حل اختلاف بین این دو تأسیس شده است. در نظام کامن‌لا، قدرت تشخیص دادستان گسترده است و دادستان در انتخاب بین پرونده‌ها برای شروع به تحقیق و ایراد اتهام و یا توقف تعقیب، آزادانه عمل می‌کند. در نظام حقوقی کامن‌لا، جرم نوعی اختلاف بین حکومت و متهم تلقی می‌شود و دادستان به‌عنوان نماینده حکومت، می‌تواند تشخیص دهد که با عدم تعقیب یک جرم، منافع موکلس - حکومت - بهتر تضمین می‌شود. به همین دلیل است که اختیار تشخیصی دادستان در این مدل گسترده است.

در این نظام، با توجه به گستردگی قدرت تشخیص دادستان، زمانی که دادستان تصمیم به عدم تعقیب می‌گیرد، ضرورتی به اعلام دلیل یا دلایل خویش برای تصمیم به عدم تعقیب ندارد. برای مثال، در حقوق آمریکا، در مرحله تحقیقات مقدماتی، قاضی به‌ندرت ایفای نقش می‌کند. ماجستریته‌ها یا هیئت منصفه بزرگ در ایالات‌متحده تعیین می‌نمایند که آیا ادله دادستان برای تسلیم متهم به دادرسی کافی است یا خیر؛ اما این بازنگری ماجستریته‌ها یا هیئت منصفه بزرگ کنترل زیادی بر دادستان اعمال نمی‌کند و هیچ کنترلی بر تصمیم دادستان به جهت عدم پیگیری یک پرونده یا تصمیم دادستان مبنی بر کنار گذاردن پرونده را ندارند؛ زیرا نقش آن‌ها بعد از ایراد اتهام توسط دادستان شروع می‌شود. آستانه بازنگری آن‌ها بسیار پایین بوده و این نوع بازنگری بر تصمیمات دادستان قابل مقایسه با نظام رومی ژرمنی نیست. در نظام حقوقی ایالات‌متحده سوای از اختیارات گسترده دادستان و استقلال کامل آن‌ها، پلیس نیز می‌تواند اتهامات جزئی را نادیده انگارد. یا در حقوق انگلیس، مسئولیت اصلی ادامه تعقیب بر عهده پلیس است. اگر پلیس، شخص مظنون را نزد دادستانی بفرستند، پس‌از آن این امر در اختیار دادستان است که تصمیم به ادامه تعقیب بگیرد و یا به دلیل عدم کفایت ادله و یا این که منافع عمومی در تعقیب لحاظ نمی‌شود، از

ادامه تعقیب صرف نظر کند. در صورت صرف نظر نمودن دادستان از ادامه تعقیب، پرونده را بار دیگر به پلیس اعاده خواهد شد.<sup>۱</sup>

اما مفهوم منافع عمومی چیست و قلمرو استناد به آن تا کجاست؟ این مفهوم علی‌رغم این که ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، بسیار چالش‌برانگیز و پیچیده است. جایگاه این مفهوم در نظام‌های حقوقی، دایره شمول دو مفهوم منفعت و عمومی و مبنای پایه‌گذاری این مفهوم در قوانین حقوقی کشورهای مختلف، متفاوت است. این مفهوم که در حقوق عمومی بسیار بنیادی است، در تعریفی، سطحی از سود و فایده تلقی شده است که همگان یا عموم افراد جامعه از آن برخوردار خواهند بود یا اموری که منفعت و فایده آن عاید عموم افراد جامعه شود.<sup>۲</sup> در تعریفی مشابه، این مفهوم شامل اموری دانسته شده است که برای توده مردم مطلوبیت دارد و همگان را بهره‌مند می‌سازد.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که در تمام نظام‌های حقوقی نیاز به تعقیب کیفری نقض منافع عمومی احساس می‌شود و حفظ و حمایت از آن منافع، مقتضی تعقیب کیفری ناقضان آن است، در مواردی نیز که تعقیب کیفری یک جرم، خلاف منافع عمومی باشد، عدم تعقیب آن ضروری قلمداد می‌شود. در این وضعیت‌ها، برحسب مدلی که آن جامعه، سیستم دادرسی خود را مبتنی ساخته است، دادستان مکلف یا مختار به عدم تعقیب و یا کنار گذاردن آن پرونده می‌شود. به عبارت دیگر، تعقیب کیفری تنها زمانی مقتضی و مناسب است که جرم یا شرایط ارتکاب آن به‌گونه‌ای باشد که به‌طور صحیحی بتوان گفت این چنین تعقیبی با توجه به منافع عمومی، توجیه‌پذیر است. فاکتورهایی از قبیل شدت جرم و نتایج برآمده از آن، سن متهم و سلامت روانی وی، اندک بودن مجازات در نظر گرفته شده برای جرم ادعایی، جوان بودن مرتکبان و لزوم قضازدایی برای اجتناب از آثار زیان‌بار برچسب‌زنی به آن‌ها و ... مواردی است که منفعت عمومی بر اساس آن تعریف و تفهیم می‌شود.<sup>۴</sup> این معیارها در گزارش دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص مفهوم منافع عدالت به تفصیل بیان شده است که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود.

1. Ibid, p. 110

۲. حاج زاده، هادی، «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم منافع عمومی»، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ص ۶  
 ۳. منصوریان و شیبانی، «مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون گذاری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷

4. Cross, Grenville, "to prosecute or not to prosecute", p. 2



## ۱.۲. نظام حقوقی بین‌المللی

در ابتدا رویکرد دیوان‌های نورنبرگ و توکیو، یوگسلاوی و رواندا در خصوص مفهوم منافع عدالت بیان می‌شود و سپس رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی ذکر می‌شود.

### ۱.۲.۱. دادگاه نورنبرگ و توکیو

قدرت تشخیص دادستان برای عدم تعقیب در دو دیوان نورنبرگ و توکیو به رسمیت شناخته نشده بود. چراکه ساختار این دو دادگاه به گونه‌ای بوده است که هیچ استقلال رسمی برای نهاد دادستانی قائل نبوده‌اند. در حقیقت، دادستان‌ها توسط دولت‌ها تعیین و در جهت منافع آن‌ها عمل می‌کردند. گرچه تعیین نهایی مجرمان بزرگ جنگی برای محاکمه در نزد دادگاه بر عهده دادستان‌ها بوده است (ماده ۱۴ (b) اساسنامه دیوان نورنبرگ) اما هیچ معیاری درج نشده بود که چگونه مجرمان بزرگ جنگی تعیین شوند و شکوائیه علیه آن‌ها تنظیم شود.

### ۱.۲.۲. یوگسلاوی و رواندا

اما تأسیس دو دیوان یوگسلاوی و رواندا بنا به خواست شورای امنیت سازمان ملل بوده است؛ بنابراین، هدف از تأسیس این دو دادگاه تنها محاکمه مجرمین برای تحقق عدالت کیفری نبوده است؛ بلکه در تأسیس این دو دیوان، آرمان شورای امنیت مبنی بر برقراری صلح و امنیت در جامعه بین‌المللی نیز مدنظر بوده است. قدرت تشخیص دادستان در این دو دادگاه، نه به صراحت که به صورت ضمنی در مقررات این دو دادگاه آمده بود. در حقیقت، فاکتورهایی که در ماده ۵۳ اساسنامه دیوان تحت عنوان شرایطی که دادستان در تشخیص عدم تحقیق و تعقیب می‌بایست به آن‌ها توجه کند، در این دو دادگاه نیز اهمیت داشته اما به صورت صریح به مفهوم منافع عدالت اشاره نشده است.

برای مثال، در خصوص جرائم ارتكابی در رواندا و یوگسلاوی، دادگاه‌های ملی به صورت هم‌زمان واجد صلاحیت رسیدگی و محاکمه هستند اما تنها مهم‌ترین پرونده‌ها برای رسیدگی، باید به این دو دادگاه ارجاع داده شود. به همین دلیل بود که وقتی مخاصمه کوزوو فروکش کرد، دادستان یوگسلاوی سریعاً روشن ساخت که منابع این دادگاه صرفاً مصروف محاکمه کسانی خواهد شد که بدترین نوع جرائم را در مقیاس وسیع مرتکب شده‌اند. این معیار در اساسنامه دیوان در ماده

۵۳، تحت عنوان قابلیت پذیرش یک قضیه که یکی از عناصر آن، آستانه شدت است، مورد اشاره قرار گرفته است.

و یا در خصوص محاکمه میلسویک در دادگاه یوگسلاوی مقرر شد که یک نفر مشاور در محاکمه ایشان باید حضور داشته باشد چراکه میلسویک از یک نوع اختلال روانی رنج می‌برده است و محاکمه وی بدون حضور مشاور، خلاف انصاف در محاکمه است.<sup>۱</sup> این معیار در اساس نامه دیوان تحت عنوان نقش مرتکب در جرم و وضعیت وی از جهت سن و ناتوانی به آن اشاره شده است که در صورت ناتوانی متهم در دفاع از خویش، تعقیب وی ممکن است به جهت عدم تحقق منافع عدالت مقدور نباشد.

### ۱.۲.۳. دیوان کیفری بین‌المللی

در دیوان کیفری بین‌المللی، اما با تحول حقوق بین‌الملل و تدوین اساس نامه دیوان، به‌صراحت به قدرت تشخیص دادستان مستند به مفهوم منافع عدالت اشاره شد. توانایی دادستان برای عدم تحقیق یا تعقیب بر اساس منافع عدالت، موجب شده است که قدرت تشخیصی دادستان تا درجه نسبتاً بالایی افزایش یابد. این قدرت تقریباً گسترده باعث ایجاد بحث‌های زیادی در زمان مذاکرات شده بود. به‌ویژه، بحث‌های پیرامون اثرات زیان‌بار تحقیق و تعقیب در وضعیت‌هایی که از قبل مذاکراتی در خصوص صلح و آتش‌بس بین طرفین مخاصمه برای خاتمه دادن به جنگ وجود داشته است و نیز در وضعیت‌هایی که دادگاه‌های داخلی اقدام به اعطای عفو به مرتکبین جرائمی نموده‌اند که در غیر این صورت در صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup>

هم‌چنین انتقاداتی بر رویه و عملکرد دیوان از سوی کشورهای آفریقایی ایراد شده بود. به این دلیل که تقریباً تمام پرونده‌های مورد بررسی در دیوان از میان وضعیت‌های موجود در کشورهای آفریقایی گزینش شده‌اند.<sup>۳</sup>

1. Markovic, Milan, "in the Interests of Justice: A Critique of the ICTY Trial Court's Decision to Assign Counsel to Slobodan Milosevic", Texas A&M University School of Law, mmarkovic@law.tamu.edu, 2005, Vol. 18:947, p. 949

2. Lovat, Henry, "Delineating the Interests of Justice: Prosecutorial Discretion and the Rome Statute of the International Criminal Court", paper 1435 Bepress legal Services, 2006, p. 2

۳. واقعیت این است که از زمان لازم‌الاجرا شدن اساس نامه رم تاکنون، موردی وجود نداشته است که دادستان با استناد به این مفهوم، از تحقیق در خصوص یک وضعیت امتناع نماید و در خصوص دو پرونده سودان و اوگانندای شمالی، علی‌رغم مخالفت‌های فراوان و استناد به مفهوم منافع عدالت برای عدم تحقیق و تعقیب در خصوص جرائم ارتكابی در این دو کشور ←

اما در این میان برخی بر این عقیده‌اند که اعطای اختیار به دادستان در تشخیص عدم تحقیق و تعقیب بر اساس منافع عدالت، نه تنها تضمین‌کننده استقلال دادستان که موجب اعتباربخشی به دیوان خواهد شد. این اختیار باعث می‌شود دیوان از یک نهاد سیاسی با هاله‌ای از رنگ حقوقی به یک نهاد حقوقی با هاله‌ای از رنگ و بوی سیاسی تبدیل شود<sup>۱</sup>؛ اما این اختیار بدون حدودمرز نخواهد بود و معیارهایی چند می‌بایست اختیار دادستان را تحدید نماید.

با همه این تفاسیر، این اختیار به دادستان در قالب ماده ۵۳ اعطا شده است و با ملاحظه شروط و ضوابط استناد به این مفهوم در اساس‌نامه و تطبیق آن با سایر نظام‌های داخلی و بین‌المللی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قدرت تشخیص دادستان در عدم تحقیق و تعقیب در خصوص یک وضعیت بر اساس منافع عدالت، به‌نوعی اختلاطی از دو مدل نظام حقوقی داخلی تفتیشی و اتهامی است: بر اساس مدل کامن‌لا، تعقیب توسط یک دادستان مستقل صورت می‌گیرد و نه توسط قاضی تحقیق‌کننده که مدل مرسوم رومی ژرمنی است و در دیوان نیز، وظیفه تحقیق و تعقیب بر عهده دادستان است؛ اما همانند نظام رومی ژرمنی، تشخیص دادستان دیوان در عدم تعقیب بر اساس منافع عدالت، موضوع نظارت و بررسی قضایی شعب مقدماتی قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

اما این که مفهوم منافع عدالت مندرج در اساس‌نامه دیوان چیست و چه رویکردهایی برای تشریح و توضیح این مفهوم مطرح شده است، در گزارشانی منتشر شده از سوی دفتر دادستانی ذکر شده‌اند. دفتر دادستانی بدون تعریف مفهوم منافع عدالت، اصولی به‌صورت اختصاری بیان داشته است و در گزارشی در سال ۲۰۰۷ آن را منتشر کرده است و در گزارش‌ها بعدی در ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ این اصول را تکرار نموده است. بر اساس این گزارش، در شرایط استثنایی، ممکن است یک وضعیت یا قضیه از سوی دادستان به‌گونه‌ای فهم شود که تحقیق در آن وضعیت در خدمت تأمین منافع عدالت نباشد و به همین دلیل دادستان آن وضعیت را غیرقابل تحقیق اعلام کند. در این گزارش به سه اصل که در ملاحظات منافع عدالت باید مطمح نظر قرار گیرد، اشاره شده است:

→ در این فصل به وضعیت اوگاندا شمالی پرداخته خواهد شد- دادستان به این مخالفت‌ها توجهی نشان نداده و دستور جلب مرتکبین جنایات واقع شده در سودان و اوگاندا شمالی را نیز اخذ نموده است.

1. Danner, Allison Marston, "Enhancing the Legitimacy and Accountability of Prosecutorial Discretion at the International Criminal Court" (2003), p. 515

2. Dong, "Op.cit, pp. 109-110

اصل اول، استثنایی بودن معیار منافع عدالت و پیش فرض الزامی بودن تحقیق و تعقیب، مشروط به احراز بندهای a و b ماده ۵۳ است. تکلیف دادستان به تحقیق در خصوص وضعیت‌های ارجاعی و تعقیب مرتکبین جرائم ادعایی واقع در صلاحیت دیوان، بر اساس ماده ۱۷ اساس‌نامه، نشان می‌دهد که معیار منافع عدالت ماهیتی استثنایی دارد که به‌عنوان آخرین راه توسل، به آن استناد می‌شود. همین عبارت در گزارش دفتر دادستانی در سال ۲۰۱۰ نیز آمده است که بر اساس آن، یک پیش فرض قوی وجود دارد مبنی بر این که تحقیق و تعقیب در خدمت تأمین منافع عدالت است و هرگونه تصمیم بر عدم تحقیق و تعقیب با استناد به عدم تحقق منافع عدالت یک استثناست.<sup>۱</sup>

هم‌زمان، این یک اصل پذیرفته شده در حقوق داخلی و بین‌المللی است که دولت‌ها مکلف به تحقیق و تعقیب جرائم ارتكابی در چارچوب مقررات صلاحیت در سرزمین‌شان هستند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز به این تکلیف دولت‌ها صحه گذارده و حفظ حقوق بشر از طریق تعقیب و مجازات ناقضان قوانین و حقوق بشر را یک اصل شناخته شده در عرصه ملی و بین‌المللی می‌داند. این تکلیف در بند ششم مقدمه اساس‌نامه نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ بنابراین، اصل، لزوم تحقیق و تعقیب در خصوص جرائم ارتكابی است و استثنا، عدم تحقیق و تعقیب، منوط به احراز شرایطی است که در مقررات داخلی کشورها و نیز در سطح بین‌المللی بر آن شرایط تصریح شده است. این استثنا در بند C از بندهای ۱ و ۲ ماده ۵۳ اساس‌نامه، همانا منافع عدالت است.

دومین اصل، ملاحظه اهداف و مفاد اساس‌نامه در رابطه با معیار منافع عدالت است. اعمال این معیار طبیعتاً باید به‌وسیله اهداف و مفاد اساس‌نامه هدایت شود و معنای عرفی به آن داده شود که با اهداف اساس‌نامه همسو باشد؛ بر اساس بند چهارم از مقدمه اساس‌نامه، هدف اساس‌نامه پیش‌گیری از وقوع جرائم شدیدی است که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل می‌شود؛ و نیز، خاتمه دادن به مصونیت مجرمان بین‌المللی و در نتیجه تضمین اجرای عدالت بین‌المللی است؛ بنابراین، ملاحظات در خصوص پیش‌گیری از جرائم شدید و تضمین اجرای عدالت بین‌المللی در ارزیابی مفهوم منافع عدالت، واجد اهمیت بسیار است.

1. policy paper on preliminary examination, The Office of the Prosecutor, 4 October 2010, p. 15

سومین اصل، تفاوت میان دو مفهوم منافع عدالت و منافع صلح است. از نظر دفتر دادستانی بین مفاهیم منافع عدالت و منافع صلح تفاوت وجود دارد: منافع صلح در چارچوب بررسی توسط سایر نهادهای غیر از دیوان کیفری بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>. تکلیف دادستان صرفاً اجرای عدالت کیفری است و نه برقراری صلح و امنیت بین‌المللی؛ بنابراین، سایر مکانیزم‌های عدالت و ملاحظات صلح گرچه می‌تواند در برخی شرایط به‌عنوان یک مکمل ایفای نقش کند، اما مفهومی یکسان با منافع عدالت ندارد.

برای مثال، بر اساس ماده ۱۶ اساس‌نامه، شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند به دادستان دستور دهد آن‌جا که عدم تحقیق و تعقیب برای برقراری صلح و امنیت ضرورت دارد، به مدت دوازده ماه هیچ‌گونه تحقیق و تعقیبی انجام ندهد. چراکه، رسیدگی به جنایات بین‌المللی که در صلاحیت دیوان است می‌تواند بالأخص در صورت گسترده بودن ابعاد آن، موجب نقض صلح و امنیت بین‌المللی شود. از این رو این امر موجب تداخل صلاحیت دیوان و شورای امنیت می‌شود.<sup>۲</sup> و نیز، دادستان به موضوعاتی مانند حفظ امنیت قربانیان جرم و شهود در ملاحظات مربوط به منافع عدالت توجه خواهد کرد و بدین طریق برخی هم‌پوشانی‌ها با موضوعات مورد نظر شورای امنیت ایجاد خواهد شد؛ اما موضوعات گسترده‌تر صلح و امنیت بین‌المللی در حیطه وظایف دادستان نیست و در چارچوب اختیارات و تعهدات سایر نهادها قرار خواهد گرفت. در گزارش دفتر دادستانی در سال ۲۰۱۰ نیز آمده است که در اساس‌نامه به نقش خاص شورای امنیت سازمان ملل در موضوعاتی که مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود، اعتراف شده است اما مفهوم منافع عدالت نباید همه موضوعات مربوط به صلح و امنیت را دربرگیرد. مفهوم منافع عدالت یک ابزار مدیریت مخاصمات نیست که به دادستان همچون یک میانجی در مذاکرات سیاسی بنگرد. چراکه، چنین طرز تلقی از وظایف دادستان با تکالیف قضایی دفتر دادستانی و دیوان در تضاد است.<sup>۳</sup>

به‌زعم برخی، استدلالی که بر اساس آن، دفتر دادستانی مفهوم مضیق عدالت را مورد توجه قرار داده و به جایگزین‌های عدالت کیفری مانند برنامه‌های جبران خسارت و مذاکرات صلح و ...

1. Policy Paper on the Interests of Justice, September, 2007, p. 8

۲. غلامی، حسین، رستمی، امید، "زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی"، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۴۵

3. Policy Paper on Preliminary Examinations, 2010, p. 16

توجهی نشان نداده است، این بوده است که وظیفه دیوان محدود به تعقیب‌های کیفری است و دفتر دادستانی در صدد اعمال سیاست تسامح صفر در برابر مرتکبین جرائم شدید است که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شوند تا بدین طریق به مصونیت این مرتکبین خاتمه دهد.<sup>۱</sup> بنابراین، چنانچه دادستان تصمیمی اتخاذ نماید که تحقیق و تعقیب در خصوص یک وضعیت را، به دلیل عدم تأمین منافع عدالت کیفری کنار گذارد، دلیلی برای اتخاذ همین تصمیم به دلیل این که تحقیق و تعقیب به مذاکرات صلح خدشه وارد نماید، وجود ندارد. مصادیق ذکر شده در این گزارش برای تفهیم منافع عدالت عبارت‌اند از:

شدت جرم: به جهت این که قضیه‌ای قابل‌پذیرش باشد، نه تنها می‌بایست جرائم در صلاحیت دیوان ارتکاب یافته باشد که قضیه می‌بایست آستانه شدت کافی برای توجیه اقدام بعدی دیوان در پرتو شروط ماده ۱۷(۱) (d) را داشته باشد.

منافع قربانی: یکی از ابتکارات اساس نامه رم و قواعد دادرسی و ادله اهمیت خاصی است که به قربانیان جرائم داده شده است به جهت این که آن‌ها می‌توانند دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را نزد دیوان بیان دارند. در جریان مذاکرات کنفرانس رم، این بحث مطرح شد که صرف مجازات جنایت‌کاران کافی نیست زیرا اگر اجرای عدالت از جانب بزه‌دیدگان احساس نشود، عدالت تحقق نخواهد یافت و به منظور اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان، دیوان باید حقوق و نیازهای آن‌ها را به رسمیت بشناسد. پیرو چنین دیدگاهی بود که سعی شده است بزه‌دیدگان نقش مؤثرتری در فرایند تحقیق و تعقیب در دیوان داشته باشند<sup>۲</sup>؛ بنابراین، این اصطلاح رژیم حقوقی بزه‌دیدگان و فهم ارتباط بین نقش آفرینان مختلف را در دیوان طرح‌ریزی می‌کند.<sup>۳</sup>

منافع قربانیان شامل منفعتی است که قربانی جرم در اجرای عدالت و مجازات مرتکبین جرائم دارد و نیز شامل سایر منافع مانند لزوم محافظت از آن‌ها نیز می‌شود. ماده ۶۸(۱) بر مجموعه دیوان و نیز دفتر دادستانی تکلیف گذارده است که اقدامات مناسب برای محافظت از امنیت قربانیان، وضعیت جسمانی و روانی آن‌ها، کرامت و حریم قربانیان و شهود انجام دهند. چراکه،

1. Rashid, "Op.cit, p. 56

۲. صابر، محمود، "آیین تعقیب جنایات در دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی" فصل‌نامه حقوق، شماره ۲، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶

3. Musila, Godfrey Mukhaya, "Restorative justice in international criminal law: the rights of victims In the international criminal court", in the school of law, university of the Witwatersrand, Johannesburg., 2009, p. 130

احتمال دارد تحقیق در خصوص یک وضعیت، قربانیان و یا شهود را در یک وضعیت نامن قرار دهد؛ بنابراین، قبل از اقدام به تحقیق توسط اداره دادستانی، می‌بایست خطرات ارزیابی یک وضعیت موردتوجه قرار گیرد. نتیجه این که عدالت موردنظر اساس نامه برخلاف عدالت کیفری سنتی، صرفاً ناظر بر احراز تقصیر بزه‌کار و احیاناً اصلاح وی نیست؛ بلکه عدالت مفهوم عامی دارد و شامل منافع بزه‌دیدگان نیز می‌شود. این امر لزوم توجه به مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی و جبران خسارت بزه‌دیدگان را طرح می‌کند.<sup>۱</sup>

- شرایط خاص متهم: نقش متهم در ارتکاب جرم، سن و یا ناتوانی او: سیاست دیوان بر این قرار گرفته است که تمرکز تحقیق بر کسانی باشد که بالاترین درجات مسئولیت را دارند؛ بنابراین، نقش متهم در ارتکاب جرم و درجهٔ مداخلهٔ وی (ارتکاب مادی جرم، امر به ارتکاب جرم و مشارکت غیرمستقیم) قبل از شروع به تحقیق باید موردتوجه دفتر دادستانی قرار گیرد. با این وجود، ممکن است حتی مسئول‌ترین فرد بر اساس منافع عدالت موردتحقیق و تعقیب قرار نگیرد. چراکه منافع متهم نیز در محاسبات دادستان باید موردتوجه قرار گیرد. شرایط متهم مانند بیماری پنهان وی یا شرایط شخص مظنون از جهت اینکه موضوع سوءاستفادهٔ منجر به نقض شدید حقوق بشر شده باشد، از مواردی است که در حقوق داخلی و دادگاه‌های ویژه هم موردتوجه بوده است و باید توسط دفتر دادستانی قبل از شروع به تحقیق مورد لحاظ قرار گیرد.<sup>۲</sup>

در این گزارش، مراجعه به رویهٔ دفتر دادستانی در خصوص منافع عدالت بهترین خط راهنما تلقی شده است. برای مثال، دفتر دادستانی تحقیق و تعقیب در خصوص وضعیت اوگاندا را به استناد منافع عدالت کنار نگذارد؛ با این بیان که این وضعیت و نیز اوضاع دارفور و کنگو، متضمن شرایط استثنایی لازم برای غلبه بر پیش‌فرض تحقیق و تعقیب نیستند.

جالب آنجاست که در خصوص وضعیت سودان، این شورای امنیت بود که با صدور قطعنامه ۱۵۹۳، وضعیت سودان را به دیوان ارجاع نمود؛ اما در خصوص وضعیت سودان واقعیت این است که بر اساس ماده ۱۶ اساس‌نامه دیوان و ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، مصلحت و دغدغهٔ اصلی شورای امنیت، پاسداری از حقوق انسان‌هایی بوده است که توسط یک دولت و گروه‌های تحت حمایت آن به طرز فجیعی ضایع شده و می‌شود و نه اجرای بی‌قیدوشرط عدالت و حتی صلح و

۱. غلامی، رستمی، پیشین، ص ۴۷

2. Policy Paper on the Interests of Justice, September, 2007, pp. 4-7

امنیت بین‌المللی. به همین دلیل، پس از ارجاع وضعیت به دیوان، شورای امنیت از دبیر کل سازمان ملل درخواست تشکیل کمیسیون تحقیق در خصوص وضعیت سودان را نمود و تمام اصرارهای حامیان<sup>۱</sup> عمر البشیر در خصوص توسل شورای امنیت به ماده ۱۶ اساسنامه و تعلیق تعقیب برای وی به مدت دوازده ماه، به جهت این که عمر البشیر برای انجام مذاکرات صلح با شورشیان در تکاپوست، با شکست مواجه شده است.<sup>۲</sup>

## ۲. مفهوم منافع عدالت از منظر کنوانسیون وین

اساس‌نامه دیوان یک معاهده است و تفسیر مواد آن، بر اساس مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین در خصوص حقوق تعهدات، هدایت می‌شود. ماده ۳۱ این کنوانسیون قاعده عمومی تفسیر معاهدات را بیان می‌کند. بر اساس این ماده، یک معاهده باید بر اساس معنای عرفی که به واژگان آن داده می‌شود و نیز، اهداف و مفاد معاهده تفسیر شود؛ بنابراین، برای تفسیر مفهوم منافع عدالت باید سه‌گام برداشته شود: اول، معنای عرفی منافع عدالت باید توضیح داده شود؛ دوم، اهداف و مفاد اساس‌نامه باید تجزیه و تحلیل شود؛ و سوم، ماده ۵۳ در ارتباط با سایر مقررات اساس‌نامه باید بررسی شود.

### ۲.۱. معنای عرفی عدالت در ماده ۵۳

عدالت از نظر لغوی به معنای اجرای صحیح و بی‌طرفانه قانون است.<sup>۳</sup> این عبارت در اساس‌نامه بعضاً برای اشاره به برخی انواع مجازات به کار برده شده (ماده ۱۷(۲)(b)) و بعضاً در بیان حقوق متهم مبنی بر حق بر تشریفات دادرسی منصفانه (ماده ۶۴(۴)). بنابراین، تجزیه تحلیل معنای

۱. نماینده دولت بورتوینافاسو از صدور قرار بازداشت برای عمرالبشیر اظهار نگرانی کرد و خواستار آن شد که تحقیق دادستان طبق ماده ۱۶ اساسنامه رم معلق شود؛ چراکه به‌زعم این کشور، رسیدگی به وضعیت سودان، صلح را تهدید می‌کند. در مقابل، کاستاریکا عدم توجه به قطعنامه‌های شورا مخصوصاً قطعنامه‌های صادره طبق فصل هفت را موجبی برای فرسایش عدالت بین‌المللی و بی‌توجهی به حقوق قربانیان دانست. فرانسه هم اعلام کرد که هیچ تضادی بین صلح و عدالت نیست و مقابله با بی‌کیفری و احقاق حقوق قربانیان، پیش شرط دستیابی به صلح پایدار است. (نخستین اجلاس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ص ۱۹)

۲. سواری، حسن، «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمر البشیر (سودان)»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار ۹۰، ص ۲۴۴ و ۲۵۴

3. Black's law dictionary 390, 2d. pocket ed. 2001



لغوی عدالت در اساس نامه نشان می‌دهد که اصطلاح عدالت همان گونه که در مقدمه و مواد ۱۷(ب) و ۱۷(۲)(ب) و ۲۰(۳)(ب) اساس نامه آمده است به‌طور ضمنی دلالت بر ضرورت مجازات دارد؛ بنابراین مفهوم مضیق عدالت موردنظر اساس نامه بوده است.<sup>۱</sup>

### ۲.۲. تفسیر ماده ۵۳ نسبت به اهداف و مفاد اساس نامه

در مقدمه اساس نامه به اهداف و مفاد دیوان به‌صراحت اشاره شده است: قربانی شدن میلیون‌ها زن و کودک و مرد به وسیله اقدامات خشونت‌بار، انسجام بشریت را فلج نموده و صلح و امنیت و رفاه جهان را دچار چالش کرده است. این جرائم نباید بی مجازات بمانند و می‌بایست همکاری‌ها برای تعقیب این جرائم در سطح ملی و بین‌المللی ارتقا یابد تا به مصونیت این مرتکبان خاتمه داده و از ارتکاب دوباره این جرائم پیش‌گیری شود. همه دولت‌ها باید بر تعقیب مرتکبین جرائم بین‌المللی اعمال صلاحیت کنند تا نظم پایدار و اجرای عدالت بین‌المللی تضمین گردد. در مقدمه اساس نامه مشاهده می‌شود که هدف دیوان خاتمه دادن به مصونیت و احضار کسانی نزد دستگاه عدالت است که مسئول ارتکاب جرائم خشونت‌بار هستند. با این بیان صریح مقدمه اساس نامه، امکان توسیع مفهوم عدالت غیرممکن می‌شود؛ بنابراین، هدف دیوان تعقیب این مجرمین است. همان‌طور که گلدستون و فریتز در خصوص منافع عدالت بیان داشته‌اند که: عدالت موردنظر دیوان عدالت سزادهنده است.<sup>۲</sup>

### ۲.۳. تفسیر ماده ۵۳ در مقایسه با سایر مواد اساس نامه

ملاحظه شد که معنای عرفی واژه عدالت، عدالت سزادهنده است و اهداف و مفاد اساس نامه نیز نشان‌دهنده مفهوم مضیق عدالت یعنی لزوم تعقیب مجرمین و احضار آن‌ها نزد دیوان برای اجرای عدالت است؛ بنابراین اگر تحقیق و تعقیب متهم منفعتی برای اجرای عدالت کیفری نداشته باشد، دادستان می‌تواند به استناد آن اقدامی برای تعقیب انجام ندهد. اکنون، باید بررسی نمود که آیا ماده یا موادی در اساس نامه وجود دارد که در تضاد با مفهوم مضیق عدالت باشد و یا

1. Kourabas, Michael, "A Vienna convention interpretation of the interests of justice provision of the Rome statute, the legality of domestic amnesty agreements and the situation in Northern Uganda: a great qualitative step forward or a normative retreat?" University of California, Davis, Vol. 14:1, 2007, p. 71

2. Goldstone, Richard, Fritz, Nicole "In the Interests of Justice" and Independent Referral: The ICC Prosecutor's Unprecedented Powers, 13 Leiden Journal international law, 655 (2000)

این که سایر مواد اساس نامه نیز همانند ماده ۵۳ مفهوم مضیق عدالت کیفری را مطمح نظر دارند؟ برای پاسخ به این سؤال باید نظری به ماده ۱۷ اساس نامه داشت. در این ماده آمده است که صلاحیت دیوان در تکمیل صلاحیت داخلی دولت‌ها نسبت به وقوع جرائم در قلمرو سرزمینی و یا توسط اتباعشان است و تنها در صورتی که دولت‌ها مایل و یا قادر به تعقیب این جرائم نباشند، نوبت به اعمال صلاحیت دیوان می‌رسد. همچنین اگر مشاهده شود که اقدامات تحقیقی و تعقیبی دولت‌ها واقعی نیست در این صورت نیز دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا خواهد نمود. برخی بر این عقیده‌اند که چون هدف اساس نامه خاتمه دادن به مصونیت مرتکبین جرائم است و معتقد است که جرائم نباید بی مجازات و بی پاسخ بمانند، بنابراین اصل صلاحیت تکمیلی باید مضیق تفسیر شود و تعقیبات واقعی اشخاص متهم به جرائم بین‌المللی در حقوق داخلی، شرط ضروری برای رد صلاحیت و دخالت دیوان باشد و اگر تعقیب واقعی نباشد، دیوان همچنان صلاحیت ورود دارد؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که صلاحیت دیوان مکمل اجرای عدالت کیفری توسط دولت‌های عضو است.<sup>۱</sup> در خصوص اعلان عفو عمومی و این که آیا موجب رد صلاحیت دیوان خواهد شد یا خیر، تفسیر مضیق صلاحیت تکمیلی مقتضی است که چنین اعلانی مانع اعمال صلاحیت دیوان نباشد. به تعبیری، دیوان در جهان کنونی درصدد اعمال مجازات سزادهنده است و معتقد است که جرائم همواره باید مجازات شوند.<sup>۲</sup>

از میان سه دلیل گفته شده، مهم‌ترین دلیلی که اعطای عفو را در چارچوب ماده ۵۳ نمی‌داند، اهداف و مفاد اساس نامه است.

### ۳. مفهوم منافع عدالت از منظر دیدبان حقوق بشر

دیدبان حقوق بشر در بیان مفهوم منافع عدالت سه مسئله را مورد ملاحظه قرار داده است. اول این که دیدبان حقوق بشر بر این عقیده است که اداره دادستانی می‌بایست مفهوم مضیق منافع عدالت که هم‌سو با متن، اهداف و مفاد اساس نامه و نیز ضوابط حقوق بین‌الملل باشد را مطمح نظر قرار دهد. به این ترتیب، در بیان مفهوم منافع عدالت مندرج در ماده ۵۳ ضروری است که

1. Fletcher, George, "Justice and Fairness in the Protection of Crime Victims", Lewis and Clark law review, vol. 9:3, 2005, p. 555

2. Kourabas, Op.cit, p. 75

معنای عرفی این عبارت و نیز اهداف و مفاد اساس نامه را مورد توجه قرار دهد. مفهوم عرفی این عبارت از متن ماده ۵۳ قابل برداشت نیست. باین حال، بررسی مقدمه و ماده ۱۶ اساس نامه واضح می نماید که محدودیت‌هایی در قدرت تشخیص دادستان در استناد به این مفهوم وجود دارد؛ در زمان تصویب این اساس نامه هیچ توافقی به چشم نمی خورد که این مفهوم به دادستان اجازه دهد که وجود عفو ملی یا فرایندهای کمیسیون حقیقت یاب یا مذاکرات در جریان صلح به عنوان فاکتورهایی باشد که می بایست در تصمیم به عدم تحقیق و تعقیب مورد بررسی قرار گیرند.

دیدبان حقوق بشر هم چنین بر این عقیده است که تفسیر این عبارت باید با اهداف و مفاد اساس نامه که در مقدمه اساس نامه آمده هم سو باشد و آن این است که مفهوم مضیق منافع عدالت مورد نظر پیش نویسین اساس نامه بوده است. دادستان نباید تحقیق و تعقیب در خصوص یک وضعیت را رها کند صرفاً به این دلیل که در خصوص وضعیت مورد نظر، روش های سنتی مصالحه، عفو داخلی یا کمیسیون های حقیقت یاب وجود دارد و یا به دلیل ملاحظات مربوط به فرایندهای در جریان صلح، تحقیق و تعقیب را متوقف نماید چراکه این موضوعات با هدف و مفاد اساس نامه در تعارض آشکار است. هدف اساس نامه تعقیب شدیدترین جرائم است که موجب نگرانی جامعه بین الملل می شود تا از وقوع چنین جرائمی پیشگیری شود و به مصونیت مرتکبین این چنین جرائمی خاتمه دهد تا عدالت بین المللی به صورت پایدار اجرا گردد. مگر این که در شرایط محدودی جریان تحقیق و تعقیب برای مدت زمان دوازده ماه متوقف گردد؛ که البته، این مسئله نه از اختیارات دادستان که از اختیارات شورای امنیت است که با در نظر گرفتن موضوعاتی از قبیل صلح و امنیت بین المللی صورت می گیرد. دقت در مواد ۵۵(۲)(c)، ۶۱، ۶۵ و ۶۷ اساس نامه نشان می دهد که مفهوم موسع این عبارت هرگز مدنظر نبوده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. منافع عدالت و مصادیق آن از منظر دکترین حقوقی

بسیاری از نظریه پردازان خطوط راهنمایی در خصوص مفهوم منافع عدالت پیشنهاد داده اند تا مشروعیت دیوان به دلیل عدم تعریف و عدم تحدید قلمرو این مفهوم در اساس نامه و سایر اسناد مرتبط، مورد مناقشه نباشد؛ بنابراین، ایجاد یک معیار یا خطوط رهنما برای تصمیمات مبتنی بر

1. Human rights watch policy paper: the meaning of the interests of justice in article 53 of the Rome statute, June 2005, pp. 3-6

تشخیص دادستان به استناد مفهوم منافع عدالت موجب می‌شود که دیوان در عملکرد خود متهم به سیاسی شدن، تعصب و تبعیض نگردد؛ و نیز، موجب افزایش شفافیت عملکرد دیوان و در نتیجه افزایش اعتبار دیوان شود.

در این خصوص، برخی استدلال کرده‌اند که با توجه به این که منافع عدالت مفهومی کش‌دار است، باید مجموعه‌ای از خطوط راهنما وجود داشته باشد تا این مفهوم روشن‌تر گردد. گرچه برخی فاکتورها در ماده ۵۳ ذکر شده است که قلمرو استناد به منافع عدالت را تا حدی مشخص می‌نماید، اما در اساس نامه مشخص نشده است که هر فاکتور چه ارزشی دارد. خطوط راهنما عبارت‌اند از:

۱. تصمیمات تعقیبی دادستان زمانی مشروع تلقی می‌شود که به یک روش بی‌طرفانه، مستدل و اصولی اتخاذ شده باشد؛ بنابراین دادستان باید مناسب‌ترین قضیه برای رسیدگی نزد دیوان را تعیین نماید. در تعیین مناسب‌ترین قضیه، بدون شک باید توجیحات فلسفی مجازات یعنی ارباب، اصلاح، سزادهی و ناتوان‌سازی و نیز توجیحات فلسفی تعقیبات بین‌المللی - مجازات مرتکبین، تسهیل صلح ملی و ... را ارزیابی کند. دیوان کیفری همانند سایر دادگاه‌های بین‌المللی، می‌بایست بر مرتکبین دارای مقامات عالیہ تمرکز نماید اما این بدین معنا نیست که صرفاً رهبران سیاسی و نظامی که در یک مخاصمه درگیر شده‌اند، مورد توجه دیوان باشد؛ چراکه اساس نامه صرفاً بر جرائم تمرکز دارد و نه مخاصمات نظامی. در غیر این صورت، منجر به سیاسی شدن دیوان خواهد شد. هم‌چنین دیوان نباید صرفاً بر متهمان بالقوه یا وضعیت‌های تحقیقی بالقوه صرفاً به دلیل ملیت مرتکبین بالقوه تمرکز نماید. به‌جای تمرکز بر ملیت، به‌شدت و جدیت جرائم ارتكابی توجه نشان دهد. آسیب ناشی از جرم یک معیار است که مناقشه‌زادی در خصوص مفهوم آن وجود ندارد؛ بنابراین، مناسب‌ترین قضیه قضیه‌ای است که آسیب برآمده از آن در مقیاس گسترده باشد و اگر آسیب ناشی از یک جرم در سطح وسیع نباشد، می‌تواند مستمسکی برای عدم اقدام به تحقیق و تعقیب به دلیل عدم تأمین منافع عدالت باشد.

۲. علاوه بر چگونگی گزینش وضعیت‌ها و مرتکبین، دادستان به تأثیری که تعقیب کیفری بر منطقه‌ای که جرم در آن واقع شده است، نیز باید توجه کند. چنانچه در منطقه وقوع جرم،

قوانین عفو عمومی و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب وجود داشته باشد، آیا وجود مقررات عفو عمومی و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در منطقه وقوع جرم - که به‌عنوان راه‌کارهایی برای ارتقای صلح شناخته شده‌اند - می‌تواند مانع دادستان برای تعقیب کیفری شود؟ پاسخ این است که در اساس‌نامه دیون به عفو داخلی و کمیسیون‌های حقیقت‌اشاره‌ای نشده است و بنابراین وجود مقررات عفو و کمیسیون‌های حقیقت نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت دادستان برای تعقیب کیفری باشد.

۳. آیا تصمیم دادستان برای تعقیب بر مذاکرات برای خاتمه دادن به جنگ تأثیر منفی خواهد گذارد یا خیر؟ اگر تأثیر منفی می‌گذارد، قضیه، قضیه مناسبی برای اقدام به تحقیق و تعقیب نیست.

۴. آیا دادستان می‌بایست در وضعیت‌هایی که تخاصم در جریان است، اقدام به تحقیق و تعقیب نماید؟ چراکه جریان داشتن مخاصمات، جریان تحقیق و تعقیب را دشوار خواهد کرد و ارزیابی‌ها در خصوص منافع عدالت را با مشکل مواجه خواهد نمود؛ به‌ویژه اگر دادستان به راه‌حل‌های پس از خصومت که بر تصمیم وی بر تحقیق تأثیر می‌گذارد، توجه کند.

۵. آیا دادستان باید بر طول جریان دادرسی و هزینه مالی دادرسی زمانی که تصمیم به تحقیق و یا عدم تحقیق می‌گیرد، توجه نشان دهد؟ با توجه به منابع محدود دیوان، چنانچه دادستان تصمیم به عدم تحقیق در خصوص یک وضعیت بگیرد، به این معنی است که دیوان می‌تواند به وضعیت‌های بیشتری رسیدگی نماید.<sup>۱</sup> اما پاسخ این سؤال منفی است و در سطح بین‌المللی، موضوعات مربوط به طولانی شدن جریان دادرسی و هزینه مالی دادرسی اهمیت چندانی ندارند.

برخی نیز برای تشریح مفهوم منافع عدالت، معیار «تشخیص ساختارمند»<sup>۲</sup> را معرفی نموده‌اند که شامل یک معیار شفاف برای تفسیر منافع عدالت است و مشروعیت تصمیمات دادستان و اعتبار دیوان را تقویت می‌کند. بدین‌صورت که اتخاذ تصمیم بر اساس منافع عدالت، کاملاً مبتنی بر صلاح‌دید و تشخیص دادستان است؛ اما در اساس‌نامه تعداد کمی معیار برشمرده شده که دادستان در اتخاذ تصمیم مبنی بر عدم تحقیق می‌بایست به آن‌ها توجه نشان دهد. از سویی، در

1. Danner, " op. cit, pp. 543-545

2. Structured discretion

مذاکرات برای تدوین اساس نامه و پیش نویس آن به صورت مفصل بیان نشده است که منافع عدالت باید چگونه تفسیر شود. به همین دلیل، با نگاه تاریخی به دو دادگاه بین المللی رواندا و یوگسلاوی و نیز نظام حقوقی داخلی می توان هفت معیار را در تفسیر منافع عدالت برشمرد:

۱. شدت جرم؛ که در نظام حقوقی داخلی تحت عنوان فاکتورهای تشدیدکننده در زمان صدور حکم، مانند استفاده از سلاح یا خشونت، آسیب پذیر بودن قربانی جرم و ...، مورد توجه قرار می گیرند؛ و در دادگاه های رواندا و یوگسلاوی خشونت جنسی، قتل عام در ساریو و کشتار بیش از ۷۰۰۰ نفر در سربرنیکا و ... می تواند به عنوان مصادیقی از شدت جرم در دیوان نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۲. منافع قربانی؛ برای مثال، در مقررات دادگاه رواندا و یوگسلاوی آمده است که قربانی می تواند اظهاراتی به شعبه رسیدگی کننده ارائه دهد، صلاحیت و قابلیت پذیرش پرونده را به چالش بکشد و ... (مواد ۱۵ و ۲۹ مقررات این دادگاه ها) و نیز در حقوق داخلی کشورها، بیان شده است که قربانی و خانواده وی در تعقیب مجرم ادعایی نفع دارند و این که آیا تعقیب متهم می تواند اثر سوء بر سلامت جسمی و روانی قربانی گذارد یا خیر؟ دادستان باید یک ارزیابی نسبت به تأثیر جرم بر ملاحظات جسمی، اقتصادی و روانی قربانی و نیز سن و وضعیت سلامت قربانی داشته باشد.

۳. سن یا ناتوانی مرتکب جرم؛ یک مرتکب می تواند آن قدر پیر و یا دچار ناتوانی باشد (مانند بیماری روانی) که تعقیب وی در جهت منافع عدالت نباشد؛

۴. نقش مرتکب جرم در جرم ادعایی؛ گزارش دفتر دادستانی حاوی یک قاعده کلی است: دادستان باید نسبت به تحقیق و تعقیب کسانی تمرکز نماید که بالاترین سطح از مسئولیت را دارند؛ مانند رهبران دولت ها؛

۵. ملاحظات صلح و امنیت بین المللی؛ این فاکتور در اساس نامه هیچ اشاره ای به آن نشده است اما در مقررات پیش نویس دفتر دادستانی آمده است که شروع یک تحقیق می تواند یک وضعیت مخاصمه را شدیدتر و یا بی ثبات تر نماید.<sup>۱</sup> دادستان با تعقیب مجرمین در پی حفظ منافع کل جامعه بین المللی است. حفظ صلح و امنیت بخش مهمی از منافع جامعه

1. Draft Regulations of the Office of the Prosecutor, p. 47, note 79, 2003

بین‌المللی است؛ بنابراین، گاهی تعقیب می‌تواند موجب تنش در یک وضعیت سیاسی حساس شود و یا مذاکرات صلح را به چالش بکشد و بدین طریق خلاف منافع جامعه بین‌المللی عمل نماید.

۶. ملاحظات مربوط به عدالت انتقالی؛ به این معنی که تأثیر سایر مکانیزم‌ها مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و قوانین اعطای عفو در جوامعی که در حال گذار هستند، بر منافع عدالت را نباید دور از نظر نگه داشت. این که این مکانیزم‌ها می‌توانند جایگزینی برای تعقیب باشند و دیوان هرگز درصدد نبوده که درمان تمام بیماری‌های کیفری بین‌المللی باشد. حتی سایر مکانیزم‌ها مانند اشکال بومی عدالت، غرامت مالی، الزامات خدمات جامعه و یا جبران خسارت می‌تواند در ارزیابی منافع عدالت معیارهای مناسبی باشند.

۷. منابع: طول جریان دادرسی و هزینه محاکمه با توجه به منابع محدود دیوان را نیز باید در ارزیابی منافع عدالت مطمح نظر قرار داد. صرف‌نظر کردن از تحقیق و تعقیب در خصوص یک وضعیت پیچیده می‌تواند فرصت بهتری برای دیوان ایجاد کند که به وضعیت‌های دیگر هم رسیدگی کند.

دادستان باید این‌چنین معیارهایی را عمومی سازد؛ برای تصمیماتش استدلال ارائه دهد و سازگاری و ثبات تصمیمش را تضمین کند.<sup>۱</sup>

برخی نیز سه پیشنهاد برای تفسیر مفهوم عدالت به‌عنوان راه‌کاری در تفسیر و اعمال ماده ۵۳ ارائه داده‌اند:

۱. دیوان باید بر تعقیب همه جرائم بین‌المللی اصرار ورزد: در حقیقت، مفهوم مضیق عدالت یعنی عدالت سزادهنده مفهوم موردنظر دیوان از منافع عدالت است؛ هیچ جرمی نباید بی‌پاسخ بماند. عدالت سزادهنده بهتر می‌تواند به مصونیت مرتکبین جرائم بین‌المللی و نیز به خشونت خاتمه بخشد. علاوه بر این، با توجه به این که معنای عدالت نامعین است، مفهوم منافع عدالت را باید در اهداف دیوان جست و جو کرد: هدف دیوان تحقق عدالت کیفری برای قربانیان و مرتکبین جرائم است؛ بنابراین، دادستان در اتخاذ تصمیمات خود

1. Webb, Phillipa, "The ICC Prosecutor's Discretion Not to Proceed in the Interests of Justice," *criminal law quarterly*, vol. 50. 2005, pp. 326- 345

باید به رویکردهای عدالت کیفری توجه نشان دهد. تحقق هدف دیوان از طریق ارتقای مؤثر تعقیب شدیدترین جرائم بین‌المللی مقدور است. دلایلی وجود دارد که به تعقیب جرائم بین‌المللی اولویت می‌دهد مانند این که هدف اصلی دیوان ارباب تجاوزات بعدی و در نتیجه کمک به قربانیان آینده است. در جرائم بین‌المللی مصونیت بخشی به مرتکبین فعلی، به مرتکبین بالقوه پیام می‌دهد که از ارتکاب جرم هراسی نداشته باشند؛ چراکه، در نهایت آن‌ها مجازات نخواهند شد.

۲. تعقیب صرفاً برای مجرمینی که بیشترین مسئولیت را دارند، مناسب است: جوامع در حال گذار، ممکن است با وضعیت‌های پیچیده‌ای مواجه شوند که تعقیب همه مجرمین نه مقدور باشد و نه مطلوب. در این چنین جوامعی، بهتر است تمایز بین مجرمین با بالاترین سطح از مسئولیت برای ارتکاب جرائم بین‌المللی و مجرمین دیگر برقرار شود. این توجه اخلاقی، قانونی و عملی برای برخورد غیرکیفری نسبت به مجرمین با مسئولیت پایین از طریق کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و مشروط ایجاد می‌کند. درحالی که نسبت به مجرمین با سطح مسئولیت بالا مانند طراحان جرائم، رهبران و آن‌هایی که بیشترین جرائم خشونت‌بار را مرتکب شده‌اند، باید تعقیب کیفری صورت گیرد. بر این اساس که تعقیب هزاران مرتکب هم بار مالی فراوانی دارد و هم از نظر منطقی غیرممکن است؛ و تعقیب کیفری مجرمین جرائم بین‌المللی علاوه بر این که به قربانیان جرائم احترام می‌گذارد و نیز ارزش‌های بنیادین را تأیید می‌کند، پیامی برای مجرمین بالقوه ارسال می‌دارد که در ارتکاب جرم بازنگری نمایند.

۳. و در نهایت این که در شرایط خاص می‌توان به اقدامات غیرتعقیبی در دسترس حتی بر اشخاصی که بیشترین مسئولیت را دارند برای جرائم بین‌المللی توسل جست. اغلب استدلال شده است که عفو عمومی در شرایط استثنایی، ضرورت عملی برای توقف مخاصمه یا برای تأمین و برقراری انتقال از رژیم نظامی به حکومت دموکراتیک بوده است. گروه‌های مسئول ارتکاب جرائم بین‌المللی ممکن است تمایلی به توقف خشونت‌ها و مخاصمات نداشته باشند، اگر بدانند که آن‌ها و همدستانشان لزوماً با حبس ابد مواجه خواهند شد. در این شرایط عفو بهای خاتمه دادن به حکومت دیکتاتورها و همدستانشان



قلمداد می‌شود؛ بنابراین، عفو یکی از تکنیک‌ها برای خاتمه جنگ‌های مدنی یا تواناسازی گذار از خودکامگی به حکومت‌های دموکراتیک است؛ اما شرایط استثنایی که در آن عفو می‌تواند صلح برقرار کند را باید مضیق تفسیر نمود؛ برای مثال، در سیرالتون عفو با این اعتقاد برای جرائم مخوف علیه بشریت اعطا شد که ضروری برای صلح و مصالحه است؛ اما در عمل صرفاً تبدیل به یک فرهنگ عفو برای اقدامات ظالمانه و تداوم نقض قوانین شد. تا این که با وقوع مخاصمات بیشتر، سیاست به‌سوی تعقیب کسانی که بیشترین مسئولیت ارتکاب جرائم را دارند، برگشت.<sup>۱</sup>

## ۵. منافع عدالت و منافع صلح در رویه دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه

### اوگان‌دای شمالی

تاکنون موردی مشاهده نشده است که دادستان با استناد به مفهوم منافع عدالت، تحقیق و تعقیب در خصوص یک وضعیت را کنار گذارد؛ اما بررسی وضعیت اوگان‌دای شمالی با چالش‌های فراوانی مواجه گردیده است. قضیه از این قرار بوده است که رئیس‌جمهور اوگاندا، در سال ۲۰۰۴، بر اساس بند الف ماده ۱۳ اساس‌نامه، وضعیت موجود در شمال اوگاندا را به دیوان ارجاع داد. برخی مانند اعضای گروه آکولی در اوگان‌دای شمالی خواستار به تعویق انداختن تحقیق در خصوص ارتکابی توسط ارتش مقاومت لرد شدند تا بدین طریق، مذاکرات صلح بین حکومت اوگاندا و گروه شورشی لرد ارتقا یابد.<sup>۲</sup> دادستان دیوان با دریافت شکایت از سوی موسونی به این نتیجه رسید که مبنای معقول برای رسیدگی در دیوان وجود دارد و بیان داشت که مدارک معتبری وجود دارد که حملات گسترده و نظام‌مند مانند ربودن هزاران دختر و پسر، تجاوز و سایر جرائم خشونت جنسی، شکنجه و جابجایی اجباری، علیه جمعیت غیرنظامی از جولای ۲۰۰۲ رخ داده است. بر اساس آمار منتشر شده توسط برخی سازمان‌ها از جمله گروه مطالعات بحران‌های بین‌المللی، تخمین زده شده که گروه شورشی ارتش مقاومت لرد از سال ۲۰۰۲ تاکنون اقدام به ربودن ۲۰ هزار جوان ۱۰

1. Robinson, Darryl, "serving the interests of justice: Amnesties, truth commissions and the international criminal court, European journal of international law, vol. 14, No. 3, 2003, pp. 488-498

2. Keller, Linda, "Comparing the 'Interests of Justice': What the International Criminal Court Can Learn from New York Law", Washington University Global Studies Law Review, Vol. 12, 2013, p. 3

تا ۱۷ سال نموده و این افراد را به‌عنوان جنگجو و بردگان جنسی مورد سوءاستفاده قرار داده است. این گروه همچنین طی این دوره مرتکب قتل، آزار و اذیت و تجاوز به ده‌ها هزار نفر از غیرنظامیان شده است. از طرف دیگر، مدارک و مستندات نشان می‌دهد ارتکاب این اعمال وحشیانه منحصر به گروه شورشی نامبرده نبوده و سربازان دولت اوگاندا نیز در ارتکاب این‌گونه رفتارها دست‌کمی از شورشیان نداشته‌اند.<sup>۱</sup>

رهبران این گروهک به جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت برای جرائم ارتكابی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ متهم شدند. این تحقیق دادستان منجر به صدور دستور بازداشت برای پنج‌تن از اعضای گروهک مقاومت شد. شعبه مقدماتی نیز این تصمیم دادستان را مورد بازنگری قرار نداد. چراکه شعبه مقدماتی زمانی می‌تواند قدرت تشخیصی دادستان مستند به منافع عدالت را مورد بازنگری و نظارت قرار دهد که دادستان تصمیم به عدم تحقیق و تعقیب گرفته باشد.<sup>۲</sup>

حکومت اوگاندا سعی در ایجاد مذاکره برای پایان دادن به خشونت داشتند و به همین دلیل قانون عفو در سال ۲۰۰۰ تصویب شد. اعطای گسترده عفو به ارتش مقاومت لرد، جریان سنتی اوگاندا را به مذاکره و مصالحه ترغیب می‌کرد. با این‌که این قانون تصویب شد، ارتش مقاومت لرد سعی در تجهیز سربازان و شروع جنگ داخلی داشت.

پس از تصویب قانون عفو تقریباً ۱۴۰۰۰ سرباز از ارتش مقاومت لرد فرار کرد. باوجوداین، علی‌رغم تعداد زیاد تسلیم‌شدگان، جنگ ادامه یافت. در سال ۲۰۰۲ اوگاندا و سودان توافقی با هدف احاطه بر ارتش مقاومت امضا کردند؛ و مذاکرات صلح بین حکومت اوگاندا و شورشیان در ۲۰۰۴ آغاز شد. این مذاکرات با این‌حال هرگز منجر به صلح نشد و جنگی که در ۲۰۰۴ فروکش کرده بود در ۲۰۰۵ از سر گرفته شد.

در سال ۲۰۰۶، تلاش‌هایی برای ایجاد صلح پایدار انجام شد. اساساً بسیاری از مردم اوگاندا من جمله رئیس‌جمهور موسونی، بر این اعتقاد بودند که برقراری صلح بر اجرای عدالت اولویت دارد. حتی اگر برقراری صلح به قیمت قربانی شدن عدالت باشد. این دیدگاه در تضاد آشکار با

۱. سلیمی، محمد، " کدام‌یک صلح یا عدالت؟ موضع دیوان کیفری بین‌المللی در قبال درخواست دولت اوگاندا"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع دادگستری کل کشور  
۲. مده ۵۳(۳)(b) اساس‌نامه: شعبه مقدماتی می‌تواند به تشخیص خود تصمیم دادستان مبنی بر عدم تحقیق به علت منافع عدالت را مورد بازبینی قرار دهد. در این صورت تصمیم دادستان زمانی معتبر است که توسط شعبه مقدماتی تأیید شود.

اصول مندرج در اساس‌نامه دیوان است که بر اساس آن، صلح بدون عدالت قابل تحمل نیست. به این ترتیب، موسونی به ارتش مقاومت لرد مدت دوماهه برای پایان دادن به خشونت اعطا کرد. رهبر جنبش مقاومت نیز اعلام کرد که این گروه، آمادگی مذاکره در خصوص صلح و پایان دادن به جنگ را دارد اما نه با زور. رئیس‌جمهور سودان تلاش‌ها برای برقراری صلح بین حکومت اوگاندا و ارتش مقاومت را در شهر جابا آغاز کرد. این مذاکرات منجر به آتش‌بس بین این دو شد. بعد از کش‌وقوس‌های فراوان در روند صلح و یک دوره از بازسرگیری جنگ، طرفین در اول نوامبر ۲۰۰۶ توافق کردند و یک مذاکره تجدیدنظرشده در خصوص صلح را امضا نمودند.

علی‌رغم این که سازمان ملل و گروه‌های حقوق بشری، اقدامات دادستان در جلب این مجرمان را تحسین می‌کردند، بسیاری از مقامات اوگاندایی و رهبران محلی اچولی دخالت قضایی دیوان در این مخاصمات را رد کردند. رئیس این گروه بر این عقیده بود که دخالت دادستان منجر به توقف مذاکرات صلح خواهد شد؛ آن‌ها طالب مصالحه و بازگشت مجدد ارتش مقاومت لرد در جامعه بودند. تصویب قانون عفو موجب شده بود که بسیاری از اعضای ارتش مقاومت این جنبش را رها کرده و خود را به حکومت اوگاندا تسلیم نمایند.<sup>۱</sup>

از سویی قانون عفو تصویب شده بود اما از سویی هم‌زمان وضعیت برای رسیدگی به دیوان ارجاع شده و رئیس‌جمهور اوگاندا درخواست دستور جلب رهبران این ارتش را نیز به دادستان تسلیم کرده و بنابراین وضعیتی دوگانه ایجاد شده بود که موسونی در استرداد شکایت مردد بود و رهبران ارتش نیز اطمینان خاطر به این که با تسلیم خود به حکومت اوگاندا قوانین عفو در خصوص آن‌ها صادر شود، نداشتند. این مسئله باعث به وجود آمدن بحرانی در خصوص نقش دیوان در صورت وجود قانون عفو و انجام مذاکرات برای برقراری صلح شد. با توجه به مطالب پیش‌گفته نتیجه این‌گونه است که دقت نظر در اهداف و مفاد اساس‌نامه و زبان به کاربرده شده در اساس‌نامه مقتضی است که تعقیب جرائم بین‌المللی یک ضرورت باشد و هیچ استثنایی مانند قانون عفو و مذاکرات صلح را بر نمی‌تابد و مقصود دیوان از منافع عدالت، صرفاً عدالت سزادهنده است و نه سایر مکانیسم‌های غیرکیفری. بر همین اساس، دادستان دیوان درخواست تعویق تحقیق و تعقیب در خصوص رهبران ارتش مقاومت را نپذیرفت و تحقیق منجر به صدور دستور

1. Kourabas, Op. cit, pp. 62-67

بازداشت برای چند تن از رهبران این ارتش شد. با این وجود، تاکنون تصمیمی در خصوص این وضعیت از سوی دیوان اعلام نشده است و هرگونه اتخاذ تصمیم، مبنایی برای وضعیت‌های مشابه خواهد شد.

## نتیجه گیری

مفهوم منافع عدالت یکی از مفاهیم کش‌دار اساس‌نامه دیوان است که از زمان انجام مذاکرات برای تصویب اساس‌نامه تاکنون تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. دلیل عدم تعریف آن، می‌تواند ملاحظات سیاسی باشد که با اعطای اختیار گسترده به دادستان برای استناد به این مفهوم، راه برای گزینش‌های سیاسی دیوان مفتوح نموده و در نتیجه مشروعیت دیوان را با چالش‌های جدی مواجه می‌نماید، اما از زمان لازم‌الاجرا شدن اساس‌نامه تا نگارش این پژوهش، مشاهده نشده است که دادستان به استناد مفهوم منافع عدالت، از اقدام به تحقیق در خصوص یک وضعیت استنکاف نماید.

دیوان یک نهاد قضایی است که با صدور حکم در خصوص یک وضعیت یا قضیه، ارزش‌گذاری می‌نماید؛ بنابراین، لازم است ابهام و اجمال از این مفهوم برداشته شود تا چالش سیاسی شدن دیوان راه به جایی نبرد. با این حال، در شرایط کنونی که منافع عدالت مشخصاً تعریف نشده است، استناد به مفهوم مضیق عدالت و مکلف نمودن دیوان بر اجرای عدالت کیفری، با مفاد و اهداف اساس‌نامه هم‌سو بوده و می‌تواند بازدارندگی بیشتری ایجاد نماید. در این مسیر، لازم است اقدامات دادستانی در استناد به منافع عدالت، مستند، مستدل و موجه بوده و البته ضرورت نظارت قضایی شعب مقدماتی بر تصمیم دادستان در این خصوص بخشی از مشکلات را برطرف نموده است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. حاجی ده آبادی و دیگران، «موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۳
۲. حاج زاده، هادی، «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم منافع عمومی»، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴
۳. سلیمی، محمد، «کدام یک صلح یا عدالت؟ موضع دیوان کیفری بین‌المللی در قبال درخواست دولت اوگاندا»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع دادگستری کل کشور
۴. سواری، حسن، «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمر البشیر (سودان)»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار ۹۰
۵. صابر، محمود، «آیین تعقیب جنایات در دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی» فصلنامه حقوق، شماره ۲، ۱۳۸۸
۶. غلامی، حسین، رستمی، امید، «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲
۷. منصوریان و شبیانی، «مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون‌گذاری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵
۸. نخستین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

### ب) منابع انگلیسی

9. Danner, Allison Marston, "Enhancing the Legitimacy and Accountability of Prosecutorial Discretion at the International Criminal Court", 2003
10. Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges of the Prosecutor Against Jean-Pierre Bemba Gombo, ICC-01/05-01/08, 15 June 2009
11. Dong, Jingbo, "Prosecutorial Discretion at the International Criminal Court: A Comparative Study", Journal of politics and law, vol. 2, No. 2, 2009
12. Draft Statute for an International Criminal Court, Report of the ILC on the work of its forty-sixth session (2 May-22 July 1994), vol. II, 2 May - 22 July 1994, A/CN.4/SER.A/1994/Add.1 (Part 2), Arts. 26 and 27

13. Draft Regulations of the Office of the Prosecutor, p. 47, note 79,2003
14. Fletcher, George, "Justice and Fairness in the Protection of Crime Victims", Lewis and Clark law review, vol. 9:3, 2005
15. Frase, Richard, "Comparative Criminal Justice as a Guide to American Law Reform: How do the French do it, How can we Find out, and Why Should we Care" California Law Review, Volume 78,1990
16. Goldstone, Richard, Fritz, Nicole, "In the Interests of Justice" and Independent Referral: The ICC Prosecutor's Unprecedented Powers, 13 leiden, Journal international law, 655,2000
17. Human rights watch policy paper: the meaning of the interests of justice in article 53 of the Rome statute, June 2005
18. Keller, Linda, "Comparing the 'Interests of Justice': What the International Criminal Court Can Learn from New York Law", Washington University Global Studies Law Review, Vol. 12,2013
19. Kourabas, Michael, "A Vienna convention interpretation of the interests of justice provision of the Rome statute, the legality of domestic amnesty agreements and the situation in Northern Uganda: a great qualitative step forward or a normative retreat?" University of California, Davis, Vol. 14:1,2007
20. Lovat, Henry, "Delineating the Interests of Justice: Prosecutorial Discretion and the Rome Statute of the International Criminal Court", paper 1435 Bepress legal Services, 2006
21. Markovic, Milan, in the Interests of Justice: A Critique of the ICTY Trial Court's Decision to Assign Counsel to Slobodan Milosevic", Texas A&M University School of Law, mmarkovic@law.tamu.edu,2005, Vol. 18:947
22. Musila, Godfrey Mukhaya, "Restorative justice in international criminal law: the rights of victims In the international criminal court", in the school of law, university of the witwatersand, Johannesburg.,2009
23. Policy Paper on the Interests of Justice, ICC-OTP 2007
24. policy paper on preliminary examination, The Office of the Prosecutor,4 October 2010
25. Rashid, Farid mohammed, "The Interests of Justice" under the ICC Prosecutor Power: Escaping Forward" Crossing Conceptual Boundaries V. London: University of East London, School of Law and Social Sciences, 2013

26. Robinson, Darryl, "serving the interests of justice: Amnesties, truth commissions and the international criminal court, European journal of international law, vol. 14, No. 3,,2003
27. Sjöström, Marcus, "The Initiation of an Investigation Proprio Motu by the Prosecutor of the ICC – A Reasonable Basis to Proceed?", Uppsala university, Department of Law, 2014
28. webb, Phillippa, "The ICC Prosecutor's Discretion Not to Proceed in the Interests of Justice," criminal law quarterly, vol. 50. 2005

**Persian References:**

29. Haji Deh abadi etal, "The opportunity of prosecution in criminal system of Iran with a comparative look", criminal law courses journal, summer and spring 2018.
30. Hajzadeh, Hadi, "acquaintance with concepts of public law, a scrutiny of concept of public interests", guardian council institute, 2016.
31. Salimi, Mohammad, "which; peace or justice?; the ICC's stance on the Ugandan government's request"; institute of humanities cultural studies; comprehensive portal of the justice of the entire country
32. Savari, Hassan, "Incongruity peace and justice in the ICC in the light of Omar all Bashir's case (Sudan), Rahbord journal; 20 year; No58; spring 2011
33. Saber, Mahmood, "Procedure of prosecute of crimes in ICC", legal views law journal, no2, 2010
34. Gholami, Hossein, Rostami, Omid, "grounds of restorative justice, in statute of ICC", Research of criminal law journal, second year, no4, autumn 2015
35. Mansoorian, Naser Ali and Shibani, Adel, "the concept of public interests and it's station in legislation of Iran", legal views law journal, no75\_76, 2017
36. The first conference of review of statute of ICC